

فتح خان فالبین هم رییس جمهور می شود



بیچاره خراب آباد که تازه رنگ جدید به خود گرفت و دارای سه قوه شد و اعلان کرد که هر با سواد و بی سواد ، فالبین و گدایی گر ، تفنگ دار ، آدم کش ، معامله گر ، نوکر سیاسی بدون تبعیض قومی و سیاسی و ... می تواند خود را کاندید کند و بدین طریق راه را برای دیگر میراثی باز کرد که با این دیگر هر کل و کور خود را سیاه کند .

یک دفعه از هر کوچه هر بی معده و بی روده و بی روزگار بسوی کمیسیون انتخابات هجوم بردند و حتی ما نیز وقت را غنیمت شمردیم و خروس کاکل زری را که نماینده حزب حیوانات بود به پروسه انتخابات روان کردیم تا با اذان صیگاهی روشنی را به ارمغان بیاورد .

اما گذشته از اینکه چند بی روده و بی معده و مریض و علیل و ذلیل خود را کاندید این انتخابات کرد .

فتح خان فالبین نیز چندین شب استخاره کرد و در آخرین استخاره در خواب دید که سوار بر اسب سفید قدرت در بین مردم موحظه می کند و با صدای بلند می گوید .

مردم من فال شما را دیده ام و شما را با هنری که دارم به تا ترین دوزخ می برم .

سخن نخست

حضور خلیل زاد در

دولت افغانستان ؟!

گرچه تا حالا هیچ منبع موثقی حضور خلیل زاد را در آینده کشور تایید نکرده است ، اما به گزارش هشت صبح توافقی بین حامد کرزی رییس جمهور کشور و خلیل زاد موافقتنامه یی امضا گردیده است .

حالا تا چه حد این موافقتنامه قابل قبول و مدرک حساب می شود معلوم نیست اما اگر این توافق صورت گرفته باشد ، ما می توانیم روی او بعنوان یک افغان حساب کنیم ، گرچه او مامور دولت آمریکا خواهد بود و برای حفظ منافع آمریکا عمل خواهد کرد ، اما این نکته را هم نباید فراموش کنیم که با موجودیت ایشان و تجربه کاری در امور عراق و افغانستان و سیاست های خارجی کشور دارد ، خیلی از مشکلات حل خواهد شد .

ابراز نگرانی کشور همسایه ایران از این موضوع بیشتر دیده می شود ، چون می داند که با آمدن خلیل زاد او نه تنها برای بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور بلکه در قسمت سیاست های خارجی نیز تاثیر گذار خواهد بود .

کشور آمریکا با وجود مذاکرات و تحریم هایی که در نظر دارد به ایران وضع نماید نمی خواهد این کشور به سلاح هستوی مجهز گردد و منطقه در بحران نظامی فرو رود .

جهان عرب ، غرب و آمریکا نگران دستیابی ایران به سلاح کشنده و خطرناک است و می دانند که ایران با منطق نظامی گری می خواهد ، همه منطقه را تهدید نماید به همین منظور هر روز ساحه را بر ایران تنگتر می سازند .

آمدن خلیل زاد می تواند در بخش های مختلف کشور در صورت تمایل رییس جمهور مثمر باشد و جدیت و قاطعیت خلیل زاد می تواند بر همه ساحات باعث پیشرفت بیشتر شود .

گر چه در نبود خلیل زاد نیز کسانی هستند که در امور مختلف برای دولت مشوره می دهند ، اما موثریت خلیل زاد در همه موارد در دوره بحران به اثبات رسیده است و این را همه افغان ها متوجه شده اند .

اما جالب این جاست که سفارت ایران بیشتر از همه نگرانی خود را اعلان داشته و گفته است که با آمدن خلیل زاد افغانستان در هرج و مرج فرو خواهد رفت .

اینکه چرا در هرج و مرج فرو خواهد رفت ، شاید ایران بیشتر بداند و ما از راز های پس پرده سیاست های سپاه انقلاب و اطلاعات نمی دانیم اما می دانیم که همسایه خوب ما در امور داخلی ما دخالت می کند .

زمانی آمریکا حاکم بر سرنوشت ایران بود و هیچ گاهی افغانستان ابراز نظر نکرد و هر چیزی که در داخل کشور شان می شد ، به ما ارتباط نداشت اما حالا بیشترین نگرانی از طرف ایران بوده و شاید هم خوف دارند و می دانند که هر روز محاصره این کشور تنگتر می شود تا دست از سیاست های نادرست بردارند و مسیری را طی نمایند که بشریت می خواهد و دست از آزمایشهای نظامی بردارند .

اما این نکته ها در حد حدس و گمان است و شاید چون نامزدی خلیل زاد افسانه یی بیش نباشد .



در حاشیه
تهدیدات آینه
روز
هنوز دندان های
زهری ما (دی دی آر)
نشده ؟!

نقش رسانه ها در تخریب و تنویر افکار عامه

نورمحمد "عثمانی"

رسانه ها به مثابه نیروی پر قدرت در امر اداره و سازماندهی افکار عامه از دیر مدت زمانی در جوامع مختلف تبارز نموده و تاثیرات مثبت و منفی را در عرصه های مختلف بر افکار عامه داشته است .

با استفاده از این قوه دینامیک می توان



به اهداف ایدئولوژیک و سیاسی دست یافت .

تسلط بر رسانه ها در حقیقت کنترل و اداره بر افکار عامه می باشد .

البته رسانه ها می تواند با تهیه برنامه های خوب در روشن ساختن و ارتقاء افکار مردم نقش مثمری را ایفا نمایند.

اما بعضا دشمنان ایدئولوژی از این وسایل با نظرداشت موثریت آن بخاطر به انحراف کشیدن و تضعیف عقاید اسلامی استفاده می نمایند و با تهیه برنامه های مبتذل غیر اخلاقی و با دقت تمام تبلیغات وسیع را برای دست یافتن به آرمان های دیرینه شان انجام می دهند و با مهارت انگشت و سره میله گذاری وسیع خبرنگاران و متعصبان رسانه ها را در انحصار داشته باشند که این پروسه بعد از جنگ های صلیبی آغاز شده و تا کنون ادامه دارد .

زمانیکه دشمنان اسلام با کسب تجربه از جنگ های صلیبی درک کردند که با استفاده از نیروی سلاح نمی توان بالای مسلمانان فایق آمد در جستجوی راه دیگری افتیدند و بعد از دقت زیاد دریافتند که جنگ فکری یگانه راه پیروزی در برابر نیروی عقیده است و برای پیشبرد این جنگ وسایل مختلفی را انتخاب نمودند تا بر افکار عامه تسلط پیدا کنند که از جمله آن وسایل می توانست آرمان های شان را خوبتر تحقق دهد وسایل ارتباط جمعی بود .

اکنون این موضوع به یک واقعیت عینی مبدل گردیده است که با استفاده از این نیروی قوی می خواهند آرا و افکار شانرا بر جهان سوم تحمیل نمایند و از خلال تقدیم برنامه های مختلف مطبوعاتی مانند برنامه های سمعی و بصری در تخریب افکار مسلمانان دست آورد های

که تشنه آن اند داشته باشند .

بلی وسایل ارتباط جمعی در توجیه افکار و اذهان مردم به تناسب دانشگاه ها خطرناکتر و موثرتر می باشد ، به دلیل اینکه به دانشگاه ها جز قشر بخصوص از اقشار که همانا جوانان می باشد کسی دیگری رفت و آمد ندارد ، اما طرف خطاب دستگاه های مطبوعاتی از کتاب ها و روزنامه ها گرفته تا رادیو و تلویزیون و

انترنت ، همه گروه ها و اقشار جامعه است که دانشجوی و غیر دانشجوی ، خرد و بزرگ ، زن و مرد ، مسلمان و غیر مسلمان ، شیعه و سنی ، اقلیت و اکثریت ، و ... را در بر می گیرد .

این وسایل به اندازه یی با اهمیت و ارزنده است که هر کس بالای آن تسلط یابد ، گویا ساختار عقول و افکار و سلوک جامعه را بیمه کرده است ، چنانچه می تواند جامعه را برای حمایت و دفاع از یک اندیشه و یا

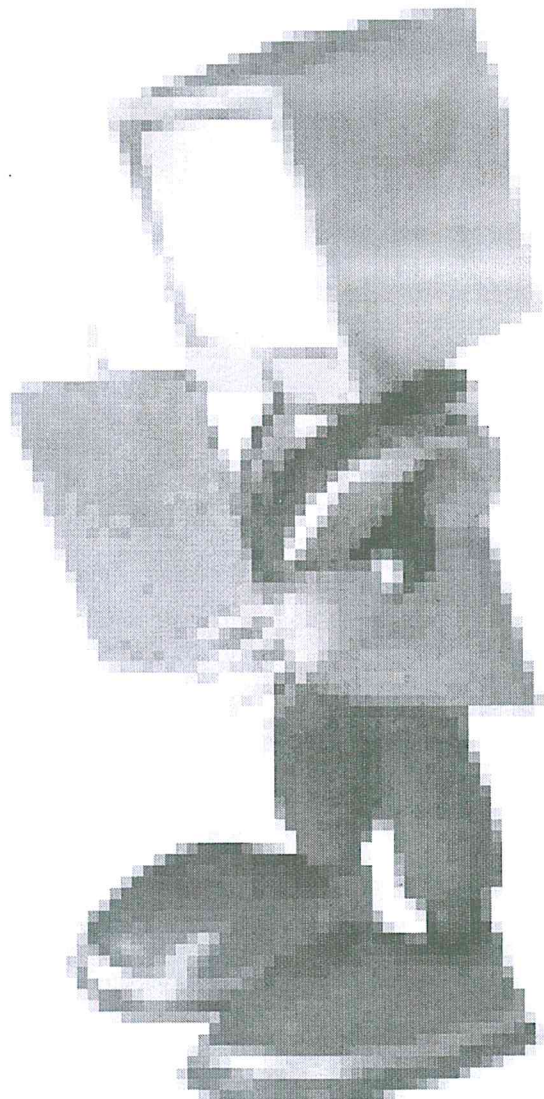
مبارزه علیه اندیشه دیگری صرف نظر از اینکه اندیشه حق است یا باطل توجیه و تحریک کند .

با توجه به اهمیت و قوتی که وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز دارد ،

دشمنان اسلام در راستای پلان های از قبل طرح شده شان متاسفانه بعضی از رسانه ها را در کشور های عقب مانده چون افغانستان در خدمت خود قرار داده همواره برای رسیدن به اهداف شان استعمال می نمایند که تاثیرات منفی بالای افکار و اخلاق مردم بخصوص جوانان ، نوجوانان برجا گذاشته است .

برای درهم کوبیدن این دسایس و افشای سیمای واقعی این نهاد ها مبارزه جدی روشنفکران ضرورت است ، مخصوصا خبرنگاران مسلمان مسئولیت دارند با تهیه و نشر برنامه های تعلیمی و تربیتی و ترویج فرهنگ اسلامی بجای فرهنگ های بیگانه افکار عامه را بسوی روشنی سوق دهند .

ما وقتی می توانیم در مقابل رسانه های اجیر مبارزه کنیم که رسالت خود را بدانیم و شیوه های مبارزه نوین را بشناسیم و بدانیم که رسانه های جهان در خدمت کیست و چرا برای ما نسخه های جدید پیچیده می شود و تا زمانی که ما خط فکری مشخصی نداشته



باشیم نمی توانیم پیروز گردیم به آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی نایل آییم .

سرک هواشناسی و چهلستون قیرریزی می شود

با اطلاعی که ما بدست آوردیم سرک هواشناسی از چهارراهی میدان هوایی تا دروازه شرقی میدان بین المللی کابل دوباره شروع شد .

این سرک که ۱۳ متر عرض دارد و نزدیک به یک و نیم کیلومتر طول دارد قیرریزی می شود و بعد از دو ماه مردم شاهد استفاده آن خواهد بود .

در ضمن لایه دوم قیرریزی سرک چهلستون نیز آغاز یافته است .

این سرک که از پل ارتل تا گذرگاه ادامه دارد قیرریزی خواهد شد .

یکی از مشکلات عمده سرک سازی سرک چهلستون بود که بیشترین فشار روی آن بود و هر روزه ما شاهد راه پندان شدید در این منطقه بودیم که با قیرریزی این سرک مشکلات زیادی حل خواهد شد .

هزینه این سرک از بودجه انکشافی شاروالی پرداخت خواهد شد و قرار است کار کار تخریب سرک های کنار جاده بعد از استملاک آغاز یابد .

مردم شهر کابل شکایت داشتند که کار سرک سازی سرسری انجام می شود و به همین لحاظ این بار روی کیفیت کار توجه بیشتر صورت می گیرد تا ما شاهد خراب شدن سرک های شهر کابل نباشیم و آرزوی مردم نیز همین بود که در جلسات متعددی روی این موضوع بحث صورت گرفته و به این نکته پی برده شده است که کارهای دیروز که از کیفیت بالایی برخوردار نبود مورد نقد قرار گیرد و امروز هر آن کاری که می شود باید با دقت و تلاش فراوان انجام گیرد .

زعفران ملالی ناب است ؟

چند سالی است که مردم هرات کشت زعفران را تجربه می کنند و در این مدت مطمئن شدند که این کشت جایگزین خوبی برای درآمد بالای اقتصادی است و دهقانان می توانند با برداشت حاصل خود درآمد خوبی را از این کشت بردارند .

اما تا حالا این کشت همه گیر نشده است و تمام دهقانان بدان روی نیآورده است ؟ این بدان معناست که هنوز کشاورزان هرات توانایی خرید تخم بذری و معلومات کلی ندارند و شاید مشکلات فنی زیادی باشد که آنها از آن بی بهره اند .

اما در این اواخر تیم پی آر تی ایتالیا ارتباطات خود را با مردم محکمتر کرده و می خواهد در این زمینه نیز با مردم همکاری نماید .

کشور ایتالیا نیز از فن آوری خوبی برخوردار است و میتواند کشاورزان را در این راه مساعدت و کمک نماید و با کمک ایتالیا مردم می تواند اقتصاد خوبی داشته باشند و با کشت و کار توانایی و ظرفیت آنها بیشتر خواهد شد .

فتح خان فالبين هم ريس جمهور می شود

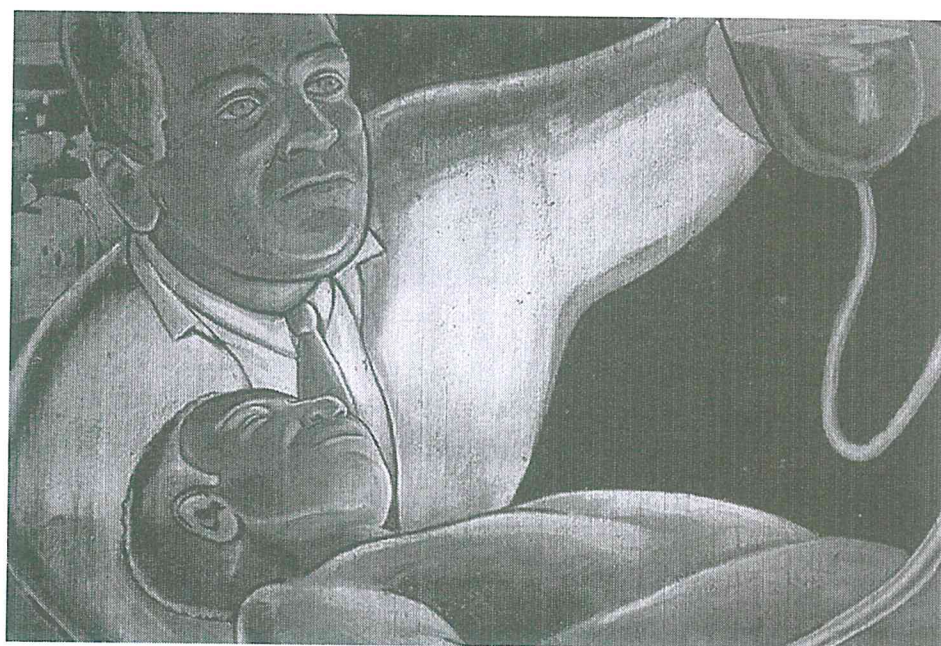
سيد داود يعقوبي

حقوق مساوی با مردان داشته باشند و هیچ مردی حق ندارد به خانمش بگوید چرا شش صبح

دموکراسی اعتقاد پیدا می کنند و نکتایی می زنی تا جامعه جهانی و آمریکا راضی باشد .



از خانه می روی و هشت شام به خانه می آیی ...
گرچه نکتایی بستن گردن بستگی دارد ولی حالا جهادی ها هم نکتایی می بندند تا مستقل و



به پروفیسور مریض رای می دهیم

بهر صورت سیاست ها تغییر می کند ، زمانی اگر ریش نداشتی شلاق می خوری و زمانی به

دموکرات معلوم شوند .

بهر صورت یک پروفیسور نکتایی دار و روشن فکر

فردای آنروز تعدادی مریدان خود را گرد خود جمع کرد و گفت :

این کشور جادو و طلسم شده است و رد سحر و جادو در دستان توانای پیر شماس است .

من برنامه های خوبی برای این ملت دارم از جمله حذف وزارت صحت عامه است و با به قدرت رسیدن من همه جادوگران و فالبین ها می توانند در شفاخانه ها یک اطاق بگیرند و مشغول جن گیری و درمان مریضان شوند .

مشکل امنیت این کشور به زور خدا با یک چف من حل می کنم .

من گروه های مخالف را با منتر تسلیم می کنم و ضرورت نیست که خارجی ها این همه اکمالات و لوژستیک خود را از راه خلیج عرب ، دریای کسپین و یا راه پاکستان و روسیه وارد کنند و دیگر اصلا ضرورت نیست .

آنها می توانند به من اتکا کنند و به زور خدا با یک منتر و چف و پف می توانم مشکل امنیت را حل بسازم .

زمان جهاد یک بار توسط روس ها من محاصره شدم ، میدانید یک مشت خاک را چف کردم و بطرفشان انداختم چشمشان کور شد و من با ناز و نخره از بین شان بیرون رفتم و هیچ کس ندانست که من جن بودم یا انسان ؟

تعداد زیادی از مریدان با فریاد گفتند زنده باد فتح خان جن گیر ، ما پیروزم او را بدرقه کردند .

چندی بعد زنان جندی نیز حمایت خود را از فتح خان جن گیر اعلان کردند و گفتند ما جندی های این سرزمین با در نظرداشت جندر حمایت خود را از فتح خان جن گیر اعلان می کنیم .

اما در دهکده دور دست یفتل نیز ریش سفید از قدرت مانده و به ذلت کشیده شده یک وزیر شکست خورده را به مردم معرفی کرد و گفت :

او درس سیاست و کیاست را در چندین مکتب یاد گرفته و از هر کشوری چیزی آموخته و اکنون بخاطر جبران برکناری اش با ارباب و ولی نعمت خود می جنگد و این درست زمانی است که ما می توانیم از آن بهره برداری کنیم ؟

ما در مجلس شورای اسلامی نیز همین کار را کردیم و کسی که نمی توانست در راس مجلس قرار گیرد او را در مجلس ابقا کردیم و از او تعهد گرفتیم که مصلحت ما را نسبت به مصلحت مردم ترجیح دهد و در زمان ضرورت با ما هم‌نوا شود و بر مجلسیان حکم نماید که مسیر خلاف مردم را در پی گیرد ، و راهی را بپوید که ثواب ما در آن باشد .

او دست یار و یاور شکست خورده خود را بلند کرد و گفت :

بعد از به قدرت رسیدن ایشان ما می توانیم مشکل مهاجرین را حل سازیم .

او در زمان قدرت توانست مشکل آب هیرمند را حل سازد بر مشکل لت و کوب مهاجرین در ایران بیافزاید ، خارجی ها را تشویق به بمبارد خانه های افراد ملکی نماید ، در کنفرانس ها حقوق بشر را حاکم بر ما کرد و گفت ماده حقوق بشر هیچ تناقضی با اسلام ندارد .

او در سیاست های خارجی خود از بریدن دست دزدان و اعدام مفسدین فی ارض انتقاد کرد و گفت این قوانین در عصر اول اسلام بود و حالا ما آنرا قبول نداریم ، موضوع سنگسار و دست بردن و شلاق زدن غیر قانونی است و زنان می توانند

هم خود را کاندید کرده ، گرچه معده ندارد و اگر شیرچوشک برایش نرسد بیهوش می شود و یا غالمغال می کند که شیرمه زود بتین ، اما شوق پیری می گویند هر چه پیرترشدی تشنه قدرت می شی ؟!

این مرد مریض که توانایی راه رفتن هم ندارد می خواهد ، این خراب آباد را آباد کند .

پروفیسور هم به مقتدیان خود گفت : عکس های مرا در مسیر رفت و آمد خارجی ها بزنید تا با آمدن خارجی ها به میدان هوایی مستر جمیز و مستر پیتر و مستر داراسنگ با دیدن عکس او فکر کند که کاندید جدی و قابل قبول همین است و غیر از این پیرمرد مریض ما دیگر کاندید خوب نداریم ؟!

بلی !بازار انتخابات گرم است و از هر ولایت یکی دو نفر فکر می کند ، غیر از او کسی دیگر رییس جمهور نمی شود .

یک نویسنده خوب هم در بین کاندید ها داریم .

او صاحب کتاب صدای پای اسب است وقتی کتاب او را خواندم خیلی لذت بردم کتاب او با دیزاین خوب و عکس مقبولی از اسب به چاپ رسیده است .

چون موضوع صدای پای اسب است به همین دلیل از اول کتاب تا آخر کتاب در حدود ۶۰۰ صفحه فقط نوشته تق و تق و تق و تق و ... نوشته شده است و هیچ موضوع دیگر غیر از صدای پای اسب نوشته نشده ؟!

ما در بین چهل و چهار کاندید از هر صنف یک کاندید داریم ، از نداف گرفته تا کیسه مال ، جوالی ، والی ، وزیر ، کیسه بر ، قاتل ، تفرقه افکن و قوم گرا و ... و همه می گویند که رقیب اصلی آنها "شخص اول" است .

یکی می گوید من شخصیت استثنایی هستم ، یکی می گوید که من در صنف اول نمره ۹۰ گرفته بودم ، یکی می گوید همه مردم با من است ، یکی می گوید در کنار من شش میلیون رای دهنده قرار دارد ؟!

بیچاره مردم با صدای بلند می گویند ، والله ما نمی شناسیم توکی هستی ، مامه و دادیت کیست ؟! اما جالب اینجاست که شخص اول هیچ کس را رقیب خود فکر نمی کند و می گوید که اگر چهل و چهار کاندید یکجا شود بازهم مردم به من رای می دهند .

درکنار گفته های ایشان چهل و چهار کاندید می گویند که ما رقیب جدی نفر اول هستیم واز همه مهمتر اینکه فالبین نیز فکر می کند که با منتر وچوف و پف می تواند تمام رای مردم را به خود اختصاص دهد .

اومی گوید من در نظر دارم هر کی که به من رای ندهد او را بسته کنم ؟!

اگر طرفدار من بود خوب ودر غیر آن دم و دعا می کنم که پروردگار او ره بسته کنه وتمام عمر رنج بیره و پیش عیالش خجالت شوه ؟!

اما در بین کاندید ها تنها خروس کاکل زری است که می تواند فردای روشن را به این کشور به ارمغان آورد .

حزب حیوانات برنامه مشخص برای ایجاد یک افغانستان آباد ، مستقل و سربلند دارد .

تنها خروس کاکل زری است که با اذان خود سپیده دم و روشنائی را نوید می دهد و با حضور خروس کاکل زری دیو و دد و تاریکی فرار می کند و ما را از فردای روشن با خبر می سازد .

پس زنده باد حزب حیوانات افغانستان .

ما همه به خروس کاکل زری رای می دهیم ... فقط خروس کاکل زری است که می داند کی آفتاب می شود و پگاه را به ما به ارمغان می آورد و ما را نمی گذارد تا نماز صبح ما قضا شود .

کنفرانس منطقوی افغانستان ایران و پاکستان

اگر نیم نگاهی به سه دهه دوستی کشورهای همسایه بیندازیم خواهیم دید که این کشورها چقدر ملت و کشور ما را دوست دارند و به چه اندازه مهربانی و لطف و عطف آنها نصیب ما شده است .

در سه دهه جنگ این کشور ها برای ما جنگ افزار زیادی فرستاد و اگر به اندازه این جنگ افزار برای ما گندم می فرستاد حالا ما میلیون ها تن گندم در ذخیره گاه خود می داشتیم و هیچ افغانی گرسنه نمی ماند .

اما متأسفانه میلیون ها مین و سلاح از جانب ایران برای ما فرستاده شد و هنوز هم این مین ها سالانه هزاران قربانی می گیرد .

البته همانطور که خود رهبران ایران خاص هستند ، مین های ضد پرسونل شان نیز خاص است و حتی مثل خودشان بزودی شناسایی نمی شود .

شخصیت مرموز احمدی نژاد و شخصیت بدل رهبر این کشور حسن صباح ترسناک و مرموز است و هر روز خود را در چهره حسن صباح می

زیرا دشمن اصلی این کشور عربستان - مصر و امارات است و مشکل خلیج عرب و تندر بزرگ و کوچک جزایر عربی برایش با اهمیت تر از دیگر مسائل نیست .

عقارت هزارساله خود را و شکست های دیروزی خود را در مقابل اعراب جبران کند و بعد از آن توجه خود را به دیگر کشورهای جلب کند .

اما آیا جامعه بین المللی به این کشور وقت خواهد داد که دست به تجربه خطرناک بزند ؟ آیا جهان در مقابل این همه مداری گری این کشور بی تفاوت خواهد ماند ؟

گر چه تعهداتی به رییس جمهور کشور ما داده شد و همین امضا ها نیز تا اندازه یی از تنش های منطقوی جلوگیری خواهد کرد ؟

توانستیم به خواسته های خود برسیم ؟ آیا در توافقات اقتصادی ما برنده خواهیم بود و یا اینکه ما سالیانه میلیارد ها دالر به شرکت های خصوصی آنها خواهیم پرداخت ؟

آیا توافق صورت گرفته است که ما تولید کننده باشیم ؟

آیا در ایجاد راه آهن و شبکه راه سازی ما برنده هستیم و یا اینکه میلیارد ها دالر از طریق ترانزیت کشورما نصیب آن کشور می شود ؟

آیا قرارداد انتقال خط لوله ایران و پاکستان یکی از پیروزی های بزرگ این دیدار حساب می شود و یا اینکه یکی از شکست های بزرگ ما و با این توافق مشکل بزرگی در راه انتقال گاز کشورهای آسیای میانه به هندو پاکستان ایجاد می گردد؟

آیا ایجاد نارامی ها در هلمند و قندهار و غرب کشور به نفع کشورایران نیست و این جنگ چقدر منافع آنها را تامین می کند ؟

امضا قرار داد گاز ایران به پاکستان به نفع ملت ما نیست و این حرکت می تواند بعد از این چالش بدی برای کشور ما باشد ؟

بهر صورت ما نیز در آینده می توانیم در بازی شطرنج برنده باشیم

آب هیرمند برگ برنده یی است برای کشور ما و اگر یک قطره این آب کم شود ، چالش های عمده این کشور شروع می شود و ایجاد سد ها بالای این آب می تواند تمام مشکلات دهقانان ما را حل سازد .

گرچه ایجاد لوله های آب افغانستان در ایران حالا مشکلات زیادی را در این کشور حل کرده است ، اما در سیاست های بعدی کشور ما اولویت ها باید در نظر گرفته شود و اول زمین های ما باید آبپاشی شود و اگر باقی ماند ، به همسایه صدقه دهیم .

بلی ! ما در تمام مذاکرات تا حالا بازنده بوده ایم و در آینده باید بازنده نباشیم ، حالا وقت آن است که ما برنده باشیم و بدانیم که ایران با سیاست وقت کشی می خواهد به جهان غرب نشان دهد که حسن نیت دارد و دیگر سربازان خارجی در افغانستان کشته نمی شوند .

در حالیکه در عمل غیر از آن است و قلبا می خواهد این کشور در جنگ بسوزد و بر روی استخوان های فرزندان ما سیاست خود را استوار سازد و به گفته خودشان از آب گل آلود ماهی بگیرد .

اما این کشور نیز باورهای مذهبی دارد و میدانند که خداوند ناظر قضیه است و شاید یکی دو سال دیگر چون کشور دیگر همسایه خود در آتش و خاکستر بسوزد و میلیون ها مهاجر وارد خاک ما شود .

اما ما هیچ گاهی با مهاجرین برخورد بد نخواهیم کرد و نان خود را با آنها تقسیم خواهیم کرد .

اگر تاریخ را بنگریم ، حتی سران ساسانی نیز روزی مجبور شدند به کشور ما پناه بیاورند و در همین جا مدفون شوند .



اما ما به این باور هستیم که هیچ گاهی ایران در طول تاریخ دوستی خود را نتوانسته است برای این ملت ثابت کند و همیشه رفتار دوگانه شان باعث درد سر برای منطقه بوده است .

تنها افغانستان نیست که از این کشور شکایت دارد .

کشورهای مصر - عربستان - امارات - آذربایجان و ترکمنستان و همه منطقه بزرگترین ایران را بزرگترین چالش در منطقه می خوانند .

اما بیایید یک بار دیگر به این کشور باور کنیم و در یکی دو ماه دیگر نتایج این مذاکرات را ببینیم و گفته های مقبول این عزیز قد کوتاه و جنجال بزانگیز را بنگریم و باور کنیم که ایشان راست می گویند ؟

اما نتایج این مذاکرات چه بوده است ، آیا ما

بینند و بر خود تلقین می کنند که جهان در دست ایشان می افتد و می توانند رهبری جهان اسلام و دنیای دیگر را بدست گیرند .

اما آیا این حرکت ها نتیجه خواهد داد ، آیا ما به دروغ های این کشور باور کنیم ؟ آیا تا حالا راست گفته اند که ما باور کنیم ؟

بلی ! ما باید باور کنیم که ایران می خواهد با سیاست وقت کشی و نمایش چهره خوب ودوست همسایه ها توجه غرب را به خود جلب کنند و در خفا تحقیقات و غنی سازی یورانیوم را سرعت بخشند .

این وقت کشی می تواند به قیمت نابودی تمام بشریت و اسلام تمام شود .

البته یک چیز واضح است که ایران هیچ وقت موشک های خود را به طرف اروپا و آمریکا و اسرائیل نشانه نخواهد گرفت .



بوم بد

شوگم ؟!

پژوهشی در مثل های اسطوره یی قبل از اسلام

سید داود یعقوبی

اینک امروز هم ما به این اعتقادیم که بوم ویرانگر ، مرگ آور و بد شوگم است و دیدن او در ویرانه ها باعث می شود که مشکلی برای ما پیش بیاید و یا پیامد ناگواری در پیش خواهد بود .

چنانچه شاعر گفته است (خبر بد به بوم و باز گزار) این اعتقاد از هزاران سال است که سینه به سینه حفظ گردیده است و از نسلی به نسلی انتقال یافته و تا حالا نیز ما به آن اعتقاد داریم .

اما در اصل این اعتقاد را فلسفه یی جداگانه است که در ادوار کهن اعتقادی بنیادی به آن داشتند و زرتشتیان می گفتند :

کیومرث اندهناک به کوه دماوند می رفت که پسرش در آن زنده گی زاهدانه داشت . جغدی را دید که فریاد های شکایت آمیز مداوم سر می داد ، کیومرث که از فریاد های او متأثر شده بود گفت : اگر خبر تو متضمن خیر و سرور باشد ، امیدوارم که مقبول طباع گردی و الا مطرود و مهجور باشی .

چون به صومعه رسید پسرش را مرده دید ؟! در اینجا می بینیم که ارتباط فریاد های متأثر کننده جغد خرابه نشین و یا بوم بد شوگم با مرگ فرزندان کیومرث نزدیک است و کیومرث می دانست که فریاد های او یا باعث خوشی و یا غم می شود .

ولی ما دیدیم که فرزندان کیومرث مرده بود و کیومرث در عزا نشست و جالب اینکه کیومرث او را دعا کرده بود ، اگر فریاد های تو باعث سرور شود امیدوارم مقبول طباع گردی و اگر این فریاد های تو باعث غم و اندوه من شود مطرود و مهجور گردی ؟!

حالا اگر نیم نگاهی به زنده گی بوم داشته باشیم خواهیم دید که او مهجور ، غمگین و خرابه نشین است و بوم در خرابه های و ویرانه ها زنده گی می کند ؟!

جایی که خرابی و ویرانگری در آنجا است و همیشه صدای او انسان را به وحشت می اندازد و فکر می کنیم که با شنیدن صدای او کدام حادثه غیر مترقبه پیش خواهد آمد . برعکس صدای عکه و زاغچه که ما فکر می کنیم که مهمان می آید و یا خوش خبری است و خبر خوشی را نوید می دهد .

پس فلسفه وجودی مثل بوم بد شگن از همین داستان کیومرث گرفته شده است و زمانی که این پرند ناله کرده فرزندان کیومرث مرده بود و به همین دلیل است که بوم مهجور و ویرانه نشین شده است .

پنج‌هیر در قلمرو معانی

پژوهش در معنی واژه پنج‌هیر (پنجشیر)

قسمت اول

سید داود یعقوبی



در اشکال العالم و شاهنامه فردوسی نیز نام پنج‌هیر به شکل پنج هیر آمده است و این قدیمی ترین نوشته‌هایی است که در دسترس ما قرار گرفته است.

از آنجا که بگرام - بلخ - قندهار - سیستان - خراسان - تخارستان - بامیان و پنج‌هیر واژه‌های کهن به حساب می‌آید و مدنیت، تمدن و هنر و اندیشه‌های زیادی را تجربه کرده است.

ما در پی آن شدیم تا در این زمینه‌ها نیز برای خواننده‌گان عزیز تحقیق و پژوهشی داشته باشیم تا پژوهش‌گران این سرزمین نیز دست به قلم شوند و نظرات خاص خود را در مورد این واژه‌ها ابراز دارند تا ما بدانیم در پشت این واژه‌ها چه رازی نهفته است.

این مناطق که دارای فلسفه‌های دینی و اساطیری مختلفی در ادوار تاریخ بوده است می‌تواند، تمدن دیروزی را برای نمایان سازد و با گذشت هر روز و کار خستگی‌ناپذیر پژوهش‌گران ما پی به حقیقت‌های نهفته بریم. ناگفته نماند که با گذشت هزاران سال و تغییر عقاید مذهبی و تغییر زبان مردم معنی اصلی کلمات با از بین رفتن اندیشه‌های دیروزی مشکلات زیادی پدید آمده و اهل تحقیق را مجبور ساخته تا بخاطر نزدیک شدن به حقیقت به دلایل، قرائین و حدس و گمان‌ها اکتفا کنند و گاهی نیز با دلایل انکارناپذیر دست‌پی به حقیقت موضوع برند و به‌سرمنزل مقصود رسند و دریابند که در پی این نام‌ها راز نهفته‌یی پنهان است.

پنج‌هیر

در اقلیم چهارم است - طولش از جزایر خاللات هشت صد و بیست و یک درجه و عرض از خط استوا بیست شش درجه و سی و پنج دقیقه است.

مستوفی گوید:

"شهری وسط است و هوای خوش دارد - حاصلش غله و اندکی میوه باشد" (حمدالله مستوفی - نزهة القلوب) گرچه حمیری پنج‌هیر را از بلاد ختل دانسته است ولی یاقوت حموی آن را شهری در ناحیه بلخ معرفی کرده است.

در کتاب حدود العالم من المشرق و المغرب که توسط نویسنده نامعلوم بلخی نوشته شده است چنین آمده است:

"پنج‌هیر و جاربایه دو شهر است و اندران معدن سیمست. رودی میان این دو شهر بگذرد و اندر حدود هندوستان افتد.

اصطخری می‌گوید:

پنج‌هیر شهر است برکوهی نهاده قریب ده هزار مرد در او باشد باغ و بستان و آب روان باشد لیکن کشاورزی نکنند" ابن بطوطه می‌گوید:

در آنجا شهر قشنگ و آبادانی دیدم که روی نهر بزرگ

و خراب دندان و معیوب را در آن جای ندهند" و نندیداد فرگرد حصه دوم فقره بیست و یکم تا چهل و سوم استاد حبیبی در ارزیابی خود از واژه وار و واره می‌گوید:

نام این بنای تاریخی و پسانتر معبد معروف زرتشتیان در باخدی بود در زبان سانسکریت به معانی تقریبی و شاید مجازی کلمات زیادی از این ریشه موجود است. وار به معنی محوطه - جای - ستی‌گاه

هندوان - ربع یک شهر و واری - صحن - احاطه در باغ کلماتی است که به این ریشه برمی‌گردد.

البته چند قرن بعد در عصر بودایی کلمه (وهار) به معبد بودایی تبدیل می‌شود و این تجدید و تحول دیانت - آتشکده معروف باخدی را به معبد بتکده بودایی تبدیل می‌کند و (واره) اوستایی به (وهار) بودایی تبدیل می‌گردد و همین کلمه عصر بودایی است که پسانتر از آن اسمای

www.afghantravel.com



بهار و (نوبهار) می‌زاید.

کسانی که به تاریخ‌سنه و زبان‌شناسی آشنایی دارند می‌فهمند که در تغییر و تحول کلمات همواره ابدال حروف مشترک و قریب‌المخرج به یکدیگر امر مرسوم و اساسی است (و) و (ب) همواره ابدال می‌پذیرد.

وندیداد در تاریخ عمران و آبادی وثیقه محکم و مهمی است و می‌توان از ملاحظه آن به فکر عمرانی آریاییان قدیم پی برد و تاریخ مدنیت این سرزمین را از آن آغاز کرد.

"وندیداد": اهورامزدا به یما امر داد تا "واره" را تعمیر کند که هر ضلع آن به اندازه طول یک میدان اسب دوانی باشد و آتش درخشان و یک

پس (واره) اوستایی و (وار) سنسکریت (باره) و (وهار) بودایی (بهار) شده باشد.

اگر به ادب زبان پارسی نظری ببندیم اسناد زیادی موجود است که (بهار) را به صورت تقریبی و مجازی به معنی (بتکده) ضبط کرده‌اند.

چون واره اوستایی اولاً معبد آتش پرستان بود بعد از آن بتکده‌یی بودایی شد بنابر آن هر بتکده را (وهار) و بعد از آن (بهار) گفتند شمس فخری:

رسید موسه نوروز کز نسیم بهار

شود بساتین آراسته بسان بهار

فخرالاولی راست:

به همچون رخ خوبت گل بهار

نه چون توبه نیکویی بت بهار

نظامی گوید:

بهار دل افروز در بلخ است

کز سرخ گل را دهان تلخ است

همو در خردنامه ای سکندری گوید:

بهارى درو دیده چون نو بهار

پرستشگهی نام او قندهار

عروسان بت روی دروی بسی

پرستنده ی بت شده هرکسی

در این جا معلوم می‌شود که نام قندهار به معنی معبد و پرستشگاه آمده است.

منصور رازی مفهوم بتکده را در بهار تصریح می‌کند و می‌گوید:

بهار بتانست و محراب خوبی

به روی دلارام و زلفین دلبر

همچنین فرخی می‌گوید:

هنگام خزان است و چمن را بدراند

نوو زیت زرین هرسوی بهار است

همو است:

چه شهر شهر و بدو اندرون سرای سرای

چه کاخ کاخ و بدو اندرون بهار بهار

همین طور کلمه بهار در ادب زبان پارسی به معنی بتکده مذکور افتاده به همان (وار) (هار) تاریخی می‌پیوندد که شاید معنی حقیقی آن در اصل زبان اوستایی حصار و قلعه و نظایر آن بوده و

پسانتر معنی بتکده به صورت مجاز به آن راه یافته است.

شکل دیگر این کلمه اوستایی تاکنون در پارسی به صورت (باره) او در پشتو (باره) با رای ثقیل موجود است که در پارسی حصار و قلعه را می‌گفتند.

چنانچه خاقانی می‌گوید:

صد باره برآوردند بهتر

صد باره زیاره سکندر...

ریشه‌های این کلمه واره - وهاره در آخر برخی از اسمای بلاد تاکنون به شکل لاحقه‌ی هار باقی مانده مانند قندهار، ننگرهار - نندهار - بونیهار - کونهار (دریایی که در دره کابل برآید) (کونار (کنرکونی) و همین هار است در اسمای قدیم که باهم ابدال می‌شد مانند: هوارزم - هون یا هان (نام قومی) که خان گردیده و وهاره که بخارا شده و ختن و هوتن و همین (خار) که در نام فرخار حفظ شده و در پشتو بجای شهر که تاکنون مروج است ...

در اسمای بلاد قدیم همین هار = خار = شارگاهی هور = شور هم شده مانند لاهور که در کتب جغرافیای تاریخی به املاهای مختلف لاهور = لهور = لهور هم آمده است که این نام مرکب از لاوا نام پادشاه بومی که در صدر سده یکم میلادی این شهر را پی افکنده بود و هور که جمعا (شهرلاوا) معنی می‌دهد البته مخفی نماند که گاهی همین لاحقه هار به شکل (هیر) هم آمده است که در یک لهجه پشتو هیر = آتش است و همین هیر در زبان تخاری کوشانیان هم به معنی آتش مقدس زرتشتی در کتیبه بغلان (حدود یک صد و شصت میلادی) آمده است باز هم ربطی به وهار و هار و هیر دارد و هیربذ هم خدمتگار آتش کده باشد (برهان ۲۴۰۵) و معلوم است که نام کنونی پنجشیر که در شمال کابل قرار دارد در قدیم پنج‌هیر بود به مفهوم همین هیر یعنی آتش و پنج هیر معنی پنج آتشکده را داشت.

در این دو بیت صنعت تجنیس تام محتوی همین مطلب موجود است:

گویند هفت مرد است در پنج‌هیر بذ

زان هفت دو مسلمان و آن پنج هیر بذ

من پنج‌هیر دیدم و آن پنج هیر بذ

از پنج هیر بذ نشود پنج‌هیر بذ (لیاب الالباب)

ادامه دارد...

کیودینی بنا شده و این رودخانه از کوهستان بدخش سرچشمه می‌گیرد.

یاقوت بدخش از همین کوهستان بدست می‌آید.

این شهر را چنگیز ملعون خراب کرد و از آن پس روی آبادانی را ندیده‌اند"



رای به
کسی
دهید
که یک
چهره
داشته
باشد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید داود یعقوبی
تحت نظر: هیئت تحریر
صفحه آرایی: سید امید یعقوبی
آدرس: سینما بهارستان - سرک پنجم خانه دست راست
تلفن: ۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

زکی الله ورزش کار

خوب کشور

سید مصطفی سادات

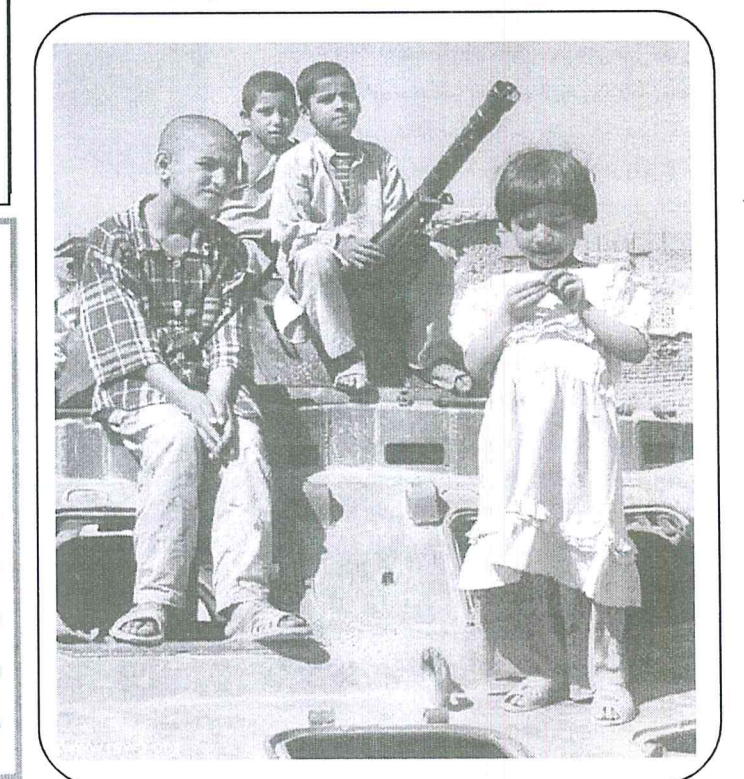
آیین روز در نظر داشت تا صفحه یی به نام با قهرمانان داشته باشد و از مدال آوران تقدیر نماید و ورزش جوان کشور را تقدیر نماید و به جهان این روشنگری را نماید که افغان ها در مدت کم می توانند فاصله خود را با جهان ورزش کوتاه سازند و به دنیا بفهمانند که جوانان ما در کمترین مدت قله های بلند فتح و افتخار را نصیب شوند. به همین منظور حتی از کارکنان این نشریه امید یعقوبی که از فوتبالیستان خوب کشور است و فوتبال را به شکل حرفه



بی در کشورهای همسایه تعقیب نموده است نام نبرد؟

اما چهره دوست داشتنی زکی الله و عشقش به ورزش ما را مجبور نمود که از ایشان که در تیم معارف است و در مسابقات کشور ترکیه مدال آورده است استقبال نماییم.

بهر صورت صعود به قله بلند ورزش کار بسیار مشکل است و اینکه جوانی توانسته است در معیادین بین المللی و کشورهای دور تر بخصوص ترکیه که حتی جهان غرب از آن می ترسند مقامی بدست آورده است، باعث افتخار ماست.



شخصیت سازی یا جوکره

پروری؟

محمد صادق پیروز

به راستی که اگر چنین باشد، چه کسی بهتر از چنین معاون شایسته ی چنین مقامی خواهد بود؟

آقای اشرف غنی! به راستی آیا شخصیت ها یک شبه ساخته می شود؟ این گفته های شما من را به شک انداخت

بخشی از مردم از آفتاب روشنتر است، بزرگ ترین توهین را به مردم روا داشته و به این شایعه دامن زدید که شما بالای مردم بزرگترین جفا را

روز گذشته به نقل از آقای اشرف غنی، یکی از نامزدان ریاست جمهوری، نقل شده که گفته بود شخصیت سازی جزو برنامه های وی می باشد.

این گفته های آقای اشرف غنی برای من که تصور دیگری از وی داشتم، مایه ی تعجب و تاسف می باشد.

تصور من این بود که اشرف غنی با تحصیلات اکادمیک و چهره ملی و بین المللی؟! که دارد، حداقل متفاوت از دیگر نامزدان اندیشیده و راهکارهای برای بیرون رفت از وضعیت موجود داشته باشد.



که نکند، جامعه جهانی در کنار امکانات که سرازیر کرده است کارخانه های شخصیت سازی نیز برای افغان ها به ارمغان آورده است.

اما تا جایی که در لایه لای کتاب های تربیتی خوانده ام، در شخصیت های انسان ها از اصل وراثت گرفته، تا محیط، خانه، اجتماع، مکتب و... همه موثر می باشد.

در پایان گفته یی از گاندی را یاد آوری می کنم.

روزگاری گاندی گفته بود که هفت چیز انسان را از پای در می آورد و هلاک می کند.

سیاست بدون شرف، پول بدون کار، شناخت بدون ارزش ها و...

روا می دارید. آقای اشرف غنی! خوب است که جناب عالی وقتی که از کارنامه های معاون تان ایجاد ۲۰ کلینیک صحرایی را یاد می کنید، حداقل دوتای آن را و محلی که در آن جا احداث شده اند، نیز نام می بردید.

برای من اکنون این سوال مطرح است که یک استاد دانشگاه و چهره ملی و بین المللی با یک دلال پاسپورت و جوازسیر چه همفکری و هم خوانی دارد؟

تصمیم شما در گزینش یک معاون هزاره که صرف کورس چهار ماهه کمک های اولیه را گذرانده است و سواد آن به صنف ده هم نمی رسد، به این شایعه دامن زد که اشرف غنی هنوز هم از حصار قبیله گرایی خارج نشده و از چهره های، اقوام دیگر صرفا به عنوان یک نماد توهین آمیز در تیم کاری خود بهره می برد.

متأسفانه اشرف غنی نیز مانند دیگر نامزدان افغانستان با نگاه ابزاری به اقوام به سیاست چوکره پروری روی آورده است. من زمانی که چند سال قبل به صحبت های عالمانه ی ایشان در تالار بین المللی مطبوعات در مورد فیض محمد کاتب گوش می دادم، یقین داشتم که اشرف غنی با شناخت تاریخی و عینی از جامعه افغانستان و ساختار قومی آن، بارویکرد جدید، نه بر معیار در صدی، امتیاز بخشی و سهم بخشی، بلکه به معیار شهروندی و شایسته سالاری به گزینش تیم کاری خود اقدام خواهد کرد.

اما متأسفانه زمانی که شنیدم اشرف غنی از میان هزاره ها یک فرد فاقد تحصیلات را برگزیده است، تعجبم را برانگیخت.

اشرف غنی! شما زمانی که در راستای سیاست چوکره پروری تان ضعیف ترین افراد با کارنامه همکاری با طالبان و ده ها کارنامه یی که برای

آینه روز

را در

پشت

دروازه های

خود تسلیم

شوید

آینه روز

آینه روز ناشر افکار سید جمال

الدین افغان است

فرم اشتراک

نام نام موسسه

شماره تماس

آدرس:

تعداد:

تماس: آگهی ها - اعلانات و اشتراک

۰۷۸۶۴۷۰۱۶۸

فرم اشتراک

مدت اشتراک نهاد خارجی

سه ماهه: ۲۰۰۰

شش ماهه: ۳۵۰۰

یک ساله: ۶۰۰۰

داخلی ...

سه ماهه: ۸۰۰

شش ماهه: ۱۵۰۰

یک ساله: ۲۳۰۰